



خالد حاجی محمدی

اول ماه مه امسال مصاحبه اسماعیل ویسی با خالد حاج محمدی

افتاده را دارد که نتیجه تلاش جدی فعالین کارگری در سالهای قبل و از قیام ایران تا کنون است. اگر به سالهای گذشته نگاهی کنیم ما شاهد اجتماعات با شکوه در شهرهای کردستان و مشخصا و برجسته تر در شهرهای بزرگی چون سنندج و سقز هستیم که علی‌رغم تهدیدات پلیس سیاسی و دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری اول ماه مه را جشن گرفته و خواستهای خود را به دولت و جامعه اعلام کرده اند. در شهرهای دیگر ایران نیز با تمام قلدری جمهوری اسلامی و تلاشهای ارگانهای سرکوبگر رژیم، کارگران و فعالین این عرصه تلاش کرده که اول ماه مه را در همبستگی با کارگران در سراسر جهان جشن بگیرند و در این روز قدرتمندی کنند و کیفر خواست خود را علیه نظام سرمایه داری اعلام کنند. اکنون و در یک سال گذشته ما شاهد

تحركات و اعتراضات مختلف کارگران برای خواستهای خود هم در ابعاد سراسری و هم در شهرهای کردستان بودیم. در کردستان اعتراضات مختلف و متنوعی از اعتراض به دستگیری کارگران سقز تا اعتصاب چند دوره کارگران نساجی سنندج را شاهد بودیم. ضمنا ما شاهد جنب و جوش نسبتا وسیعی در میان فعالین کارگری و جدالها و بحثهای با ارزشی از مسله حق تشکل و آزادی تشکلهای کارگری تا مسایل مختلف دیگر هستیم. خود این جنب و جوش نیز میتواند زمینه مناسبی برای برگزاری اول ماه امسال باشد. جدا از اعتراضات کارگری، جنبش اعتراضی مردم علیه اجحافات و بی حقوقی اعمال شده از جانب جمهوری اسلامی و قلدری نیروهای سرکوبگرشان در تمام شهرها در جریان بوده است.



اسماعیل ویسی
-اول ماه مه روز جهانی کارگر در راه است، برگزاری مراسمهای باشکوه در این روز در کردستان به سنتی اجتماعی مبدل شده است. بعنوان مسئول تشکیلات شهرها در کمیته کردستان اوضاع و احوال را کلا برای برگزاری مراسمهای امسال چگونه می بینید؟ مؤلفه های اصلی کدامند یا به بیان دیگر جهت اصلی چه باید باشد؟

خالد حاج محمدی:

اول ماه مه در کردستان سنتی جا

ریسمان وحدت ناسیونالیسم کرد! در حاشیه سمینار اخیر سلیمانیه برای بزرگداشت قاضی محمد



ایرج فرزاد

بهبانه برپائی فستیوال قاضی محمد در اربیل، مقر حکمرانی بارزانی، و این روزها سمینار و گردهمایی در سلیمانیه، مقر جلال طالبانی بود. در هر دو نمایندگان فرهنگی جمهوری اسلامی افتخار شرکت یافتند و هرکدام سخنانی تقدیم حضار مشتاق خود کردند. در دومی، اما، به علاوه ردیفی از سران سازمان زحمتکشان نیز حضور بهم رساندند. شخص قاضی محمد، انگار علامتی شده است تا در پس تجدید عهدها و سجده بردن و نیز ابراز ندامتها از خطاهای پیشین توسط

تازه به دوران رسیده های قوم پرست، بالاخره معلوم شود در زورآزمائی بر سر ادعای مالکیت بر پرچم کردستان و میراث جمهوری مهاباد کدامین نیروهای قدیم و جدید، به منصب سرکردگی ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران دست می یابند. از قول دواپر وابسته به حزب دمکرات کردستان عراق نقل شده است که شخص قاضی محمد پرچم کردستان و "یادگار" جمهوری مهاباد را به ملامصطفی سپرده است. در همان حال جمهوری اسلامی هم با مهیا کردن حضور در صفحه ۳

به نظر میرسد اسطوره های ناسیونالیسم کرد، هم زمان به محلی برای یارگیرها و اتحادها و جدل و کشمکش بین صفوف جریانات ناسیونالیست کرد، و البته غسل تعمید ناسیونالیستی قوم پرستان سابقا چپ هم، تبدیل شده باشد. جمهوری مهاباد و تجلیل از مقام قاضی محمد، چندی پیش

یک بازی سوخته، با یک مهره سوخته تر! (پیرامون سفر خاتمی)



عبدالله شریفی

امید غرب برای عبور از مردم پیا خواسته در ایران بود آن دوره که میخواستند اسلام سمی را خوراکی قلمداد کنند و بوی تعفن جنایات شنیع و جهالت اسلام را با ادویه شعر، خنده، پیانو، و غیره کم اثر کنند، آن زمان، بحث ظهور آخوندی خوش بو و خندان که شعر میگوید و همسرش با چادر و حجاب دوچرخه سواری میکند، سوژه های تهیج آمیز رسانه ها بود. آن زمان "سید" پرو بیایی داشت، کدما و اسم رمزهایی را مانند "جامعه مدنی"، "اسلام مدرن"، "اصلاحات اسلامی"، "فمینیسم اسلامی" و غیره را از بر بود، که هر یک برای تفاسیر و روده درازی و خاک پاشیدن به چشم مردم، توسط ژورنالیستهای خودی و البته طیف ملون نویسنده و اکثریت و توده متولد شده از "انقلاب اسلامی" طعمه های خوبی بودند. شرایطی که کل آن بازی را ممکن و مهیا کرده بود، اوضاعی که امکان تمدن بازی را به طلبه ای مانند خاتمی فراهم ساخته بود، سپری شده است. اکنون بعد از چند سال تمام مناظر دگرگون شده اند، اکنون دیگر کسی دنبال جست و خیزهای خاتمی و دلکک بازی تمدن خواهی اسلامی او نمیرود،



در صفحات دیگر

اخبار و اطلاعاتی های کمیته کردستان
دادگاهی دستگیر شدگان سقز
اخراج کارگران شرکت آتیلا در سنندج

هم باشند و از این امکانات برای خودنمایی روز کارگر استفاده کنند. اولین قدم برای این تشکلها و نه تنها این تشکلها بلکه هر مرکز کارگری انجام مجمع عمومی کارگران قبل از اول مه و حتی طی مراسمی به مناسبت اول مه و برای تصمیم و مشورت در مورد روز کارگر و چگونگی برگزاری آن و شرکت در این همایش سراسری است.

اسماعیل ویسی:

همانطوریکه اشاره کردید، قطعا گرایشات متفاوت "کمونیستی کارگری، سندیکالیستی و..." در برگزاری مراسمها فعالانه دخالت خواهند کرد، در این اوضاع محورهای اساسی که لازم است بصورت مصوبه ای "قطعنامه" در بیاید چه باید باشند؟ چگونه میتوان، دخالتهای "خانه کارگر" جمهوری اسلامی را خنثی کرد؟

خالد حاج محمدی:

اجازه بدهید از خانه کارگر شروع کنم، تردید دارم لزومی به توضیح در نقش ارتجاعی و ضد کارگری خانه کارگر باشد. خانه کارگر اهرم دخالت مرکز اطلاعات و سایر ارگانها جاسوسی جمهوری اسلامی در جنبش کارگری با هدف کنترل آن است. خانه کارگر را باید تحری و طرد و افشا کرد. هر جا اینها کاری کنند و تلاشی کنند باید جوابشان را داد و ماهیت و اهداف ضد کارگری اینها و خدمات بی شایه آنها را در خدمت به جمهوری اسلامی افشا کرد. اینها دیگر امروز برای کارگران بدرجه زیادی روشن است. من در جواب به سوال اول شما نیز به عنوان قدم اول کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی و اهرمهای دخالتش و از جمله خانه کارگر ←

صف متحد و قدرتمند در مقابل سرمایه داران و دولت حامیشان شکل داد و اعلام کیفرخواست این طبقه علیه جهنم ایجاد شده در ایران برای کارگران و مردم را اعلام کرد، همگی در گرو روشنبینی و هوشیاری و تلاش فعالین و رهبران عملی و کارگران سوسیالیست و رادیکال در جنبش کارگری است.

لازم و حیاتی است فعال کمونیست و روشنبین در جنبش کارگری، لازم است رهبر دلسوز و رادیکال در میان کارگران اهمیت این صف آرایی در اوضاع کنونی را قبل از هر کس به بهترین و صمیمانه ترین فعالین این عرصه تهییم کند. این پروسه از همین الان تا اول مه فرجه و فرصتی است که به وسیعترین بحث و جدل در این زمینه ها و برای ایجاد همدلی و همنظری و توافق روی اصلیتترین مسایل دامن زد و به توافق رسید. باید به همه جا سر کشید، وصل شد و شبکه های مختلف در این جنبش به هم وصل شد و وسعت پیدا کرد و بحث کرد و روی چهارچوبه ای توافق کرد. همچنانکه گفتیم هدف باید یک صف آرایی وسیع و محکم در مقابل دولت و صاحبان سرمایه باشد و این مهم و حیاتی است.

نقش نهادها و ارگانها را باید بگویم که متاسفانه اینها در سایه حاکمیت جمهوری اسلامی محدودند و نقش اصلی را شبکه های محافل و کارگران پیشرو بازی خواهند کرد. هر جا نیز چنین ارگانها و نهادهایی اگر موجودند، امکان مناسبی برای خودنمایی است. اگر تشکلی کارگری موجود است، اگر سندیکای خبازان در سنجند و سقز و بوکان و بانه و شهرهای دیگر موجودند باز فعالین رادیکال و رهبران دلسوز کارگری باید موتور محرکه همین تشکلها

داد. باید تلاش کرد و برای به میدان آمدن متحدانه کارگران تمام موانع را برداشت، توضیح داد، قانع کرد و سعی نمود این صف هر چه وسیعتر به میدان آید و خواستههای رادیکال و اصلی خود را اعلام کند و مراسمهای باشکوه در شهرهای مختلف را سازمان دهد.

در همین رابطه باید به نکته دتگری اشاره کنم آنهم ایجاد یک صف سراسری و غیر محلی است. کارگر کارگر است و مبارز و منفعت کارگر یکی است. اتحاد در خود این طبقه مهم است. لذا تلاش برای یک همایش و خودنمایی سراسری در ایران و همگام با کارگران سایر کشورها امری جدی و یک قدم بزرگ به پیش است.

اسماعیل ویسی:

اشاره به شرایط و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و مؤلفه های مثبت و منفی دخیل در برگزاری مراسمهای امسال کردید. بنظر شما فعالین کمونیست، فعالین و رهبران عملی کارگری و توده ای چه کارهایی را از هم اکنون باید در دستور بگذارند؟ نقش نهادها و ارگانهای اجتماعی و توده ای در کردستان در این روز چه میتوانند، باشد؟

خالد حاج محمدی:

آنچه در بالا به آن اشاره کردم، هم تحریم مراسمهای دولتی و افشا و منزوی کردن خانه کارگر و سایر ارگانها و اهرمهای دخالت جمهوری اسلامی در جنبش کارگر و طرح مطالبات و خواستههای روشنی که بیشترین طیفها و مراکز اصلی کارگری و گرایشات مختلف جنبش کارگری را دور خود جمع کند امر کارگران پیشرو است. اینکه به یک

مستقل کارگران شود و اعراض رادیکال آنها را به شکست بکشاند. در این زمی نه به خروار میشود نمونه آورد. جهت ما و کل فعالین کارگری و جریانات کارگری باید تحریم مراسمهای دولتی و خانه کارگر باشد. این اولین قدم است و باید این ارگانها تحریم و افشا و ترد شوند.

نکته دیگر تحمیل تعطیلی این روز در تمام مراکز کار از کارخانه و کارگاه تا مدرسه و... باید باشد. این روز را همه جا باید تعطیل کرد و این را باید به کارفرمایان و دولت اسلامیان تحمیل کرد.

اما خود جنبش کارگری و فعالین این عرصه هم مثل هر جنبش دیگری گرایشات مختلف را از سندیکالیست و رفرمیست تا رادیکال و کمونیستی را در خود دارد. این گرایشات را نه میشود حذف کرد و نادیده گرفت و نه میشود با هم آشتی داد و یکی کرد. اما با تمام اینها میتوان قالبی ایجاد کرد و چهارچوبه ای را تعیین کرد که بیشترین طیف کارگران را در خود داشته باشد و دور خود جمع کند. مهم این است هدف را چه خواهیم گذاشت. اگر از موضع پیشبردن مبارزه کارگر و بهبود شرایط زندگی کارگران وارد شد، آنوقت باید تلاش کرد در مقابل دولت و کارفرمایان وسیع به میدان آمد و قدرت نمایی کرد و تعرض آنها را پس زد. خود اجتماع وسیع کارگران در این روز میدان میدهد که توازن قوا در جامعه به نفع طبقه کارگر مقداری بچرخد و امکان اعلام کیفرخواست کارگر علیه این نظام و طرح اصلی ترین خواستههای این طبقه را فراهم کند. از نظر من این یک نیاز است و باید به آن جواب

نمونه های برجسته آن را میتوان مراسمهای ۸ مارس سنندج و سقز و شهرهای دیگر، اعتراضات مردم در چهارشنبه سوری و نوروز در شهرهای مختلف، درگیرهای مردم در شهرهای مختلف از مهاباد و سردشت تا بوکان و بانه را میتوان برشمرد. همایشهای مختلف و با شکوه کودکان در شهرهای مختلف از سنندج و سقز تا کامیاران و دیوانده و دهها اعتراض مختلف دیگر را به مناسبتهای دیگر میتوان نام برد. میخواهم بگویم موقعیت رژیم به نسبت گذشته بدتر و جنبش اعتراضی مردم از شرایط مناسبتی برخوردار است. توان جمهوری اسلامی جهت کنترل اوضاع ضعیف تر شده و به همین نسبت مردم هم با تمام قلدری و تلاش نیروهای سرکوبگر رژیم به مناسبتهای مختلف به میدان میایند و قدرتنمایی میکنند. ترس مردم ریخته است و به راحتی تن به هر چه نمیدهند. کل این مسایل زمینه را برای یک اول مه باشکوه فراهم کرده است.

اما در مورد بخش دوم سوال شما اجازه بدهید چند نکته را بیان کنم. اول ماه مه تاریخا هم در ایران هم در سایر کشورها به میدان کشمکش کارگران با سرمایه داران و دولت آنها تبدیل شده است. هر سال جمهوری اسلامی تلاش کرده جدا از ارگانهای سرکوبگر خود و سایر اطلاعاتی و... خانه کارگر و سایر ارگانهای خود را جهت مهار کردن و کانالیزه کردن اعتراضات کارگران به کار گیرد. هر جا فهمیده حرکتی صورت میگیرد و کارگران به میدان میایند سعی نموده آن را به کانال خانه کارگر بیندازد و با این کار مانع حرکت

یک بازی سوخته ...

های دشمن حقایق را هم بر نمی انگیزد.

امروز واقعیتها تغییر کرده اند" خاتمی و "افسانه" خاتمی، با تمام پر و بال ساختگی، قادر نشد مردم را به خانه بفرستد، هر چند مدتی برای نظامش عمر خرید اما شکست خورده، تمام شد" دوزخداد شکست خورد، و اسلام سیاسی هم معلوم شد که تمدن بردار و اصلاح پذیر نیست. این پروژه همراه شخصیتهایش کنار

سرنوینی این رژیم بستر اصلی تمام تحركات سیاسی مردم است" مردم اهرمی اساسی در بی اعتبار کردن و سوزاندن دهها بازی و بازیگران نظیر همین خاتمی و بازی تمدنش بودند، این لازم بود، اما کافی نیست، مردم با گسترش اعتراضات خود باید موجودیت رژیم اسلامی را ناممکن کنند" ۵ آوریل ۲۰۰۵

صحبت از اسلام سیاسی اتمی و هسته ای در میان است" ادا و اطوارهای تمدن بازی خاتمی، بازاری ندارد" بیچاره یونسکو که میزبانی چه مهمان شکست خورده ای را بعهده گرفته است!

در مقابل، مردم ایران هنوز در برابر رژیم اسلامی در میدان هستند، هنوز معضل محوری مردم ایران وجود جمهوری اسلامی است، هنوز

رفتند" خاتمی در انتهای ماموریت چند ساله اش ادای فرض و رفع تکلیف میکند، بعد از این، لابد باید در فکر دست و پا کردن شغلی در همان وزارت ارشاد سابق باشد" امروز جهان بعداز اشغال عراق است، امروز اسلام سیاسی در خاورمیته و عراق و لبنان بر متن بی افقی آمریکا و متحدینش، توازن را به نفع خود تغییر داده است، در اروپا و غرب نیز موش می دواند" امروز



تلویزیون پرتو

برنامه های پرتو روزهای چهارشنبه ساعت 7.30 تا 8.30 شب به وقت تهران (5 تا 6 بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی و 8 تا 9 صبح به وقت امریکای غربی) از شبکه کانال یک پخش میشود. این برنامه پنجشنبه ها ساعت 7.30 تا 8.30 صبح تهران مجددا پخش میشود. برنامه پرتو را روی سایت آن نیز قابل مشاهده است.

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

ریسمان وحدت ...

سفرای فرهنگی اش در مناسبتهای مختلف به عنوان یک صاحب سهم و نیروی که دولتی را هم در اختیار دارد، ظاهر شده است. تعدادی اخیرا به عنوان شخصیتها و دولتمردان کرد برای تشویق مردم کردستان ایران به شرکت در انتخابات ریاست جمهوری گردهمایی و نشست تشکیل دادند، و در هر حال پس از شکست دو خرداد در باد ناسیونالیسم کرد خوابیده اند و طبعا مدعی سهم. مراسم اخیر شهر سلیمانیه ما را با مدعیان تازه واردی برای ارث و میراث بر سر جمهوری مهاباد و پرچم کردستان و تعیین تکلیف سرکردگی ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران روبرو میسازد. سازمان زحمتکشان، با نام سرقت کرده کومه له، با بلند کردن پرچم کردستان به عنوان پرچم هویتی اش در کنار دیگر فرستاده فرهنگی جمهوری اسلامی در نشست سلیمانیه، در این توهم است که گویا قادر خواهد بود با یک تیر دو نشان را در پلوتیک زدننها به حزب دمکرات به هدف بزند. اول بعنوان افرادی با سابقه چپ و کومه له سابقی، به حزب دمکرات حالی کند که واقعا ربطی به هیچ مقطعی از تاریخ کومه له "کمونیست" و ضدناسیونالیست ندارند و دوم اینکه پشت شان به "مام" جلال گرم است و

به وساطت او و صلاح الدین مهتدی به کانال ارتباط با جمهوری اسلامی دسترسی دارند. این برگ "مذاکره" با دوایر اطلاعاتی رژیم اسلامی را هر از گاهی بر زمین میزنند. از منظر سازمان زحمتکشان و مشاورین اش، این فاکتورها در برابر حزب دمکرات، ممکن است کارساز باشد. چرا که باز گذاشتن باب مذاکره با جمهوری اسلامی یک پایه نسبتا پایدار سیاستهای حزب دمکرات بوده است و در عین حال یک نقطه قدرت آن در برابر رقیبا به عنوان طرف مذاکره "اصلی" با یک "دولت". چه، اگر تقلاهای تاکتونی سازمان محترم زحمتکشان برای تشکیل جبهه و اتحاد و ائتلاف با پاسخ تحقیرآمیز رهبری حزب دمکرات برخورد است، اما ممکن است رو کردن یک مجرای تماس با دوایر اطلاعاتی رژیم اسلامی و نشان دادن الفتها با مام جلال، حال که به عنوان یک رهبر کردی کاندید ریاست جمهوری عراق هم شده است، حزب دمکرات را از موضع تکبر و تبختر و "انحصار طلبی" پائین بکشد. مشکل اما این است که با وجود اینکه افراد سازمان زحمتکشان به عنوان فرد سوابقی در چپ و کمونیسم دارند، اما به عنوان جمع و سازمان بی ریشه اند و در هیچ گرایش چپ و یا راست جایگاهی ندارند. این سازمان دایر است تا زمانی که جلال طالبانی سر

کیسه را شل میکند و از اموال و امکانات و پول و دارائی مردم کردستان عراق به اینها خیرات و بخشش میکند، بساط ریخت و پاش جلال طالبانی که به پایان برسد، سازمان زحمتکشان یک شبه محومیشود. و تصور نمیرود حزب دمکرات به عنوان حزب سیاسی ناسیونالیسم کرد، اجازه دهد که جریان بی ریشه ای که هویت اش را در تاکید مداوم بر توأبیت افراد تشکیل دهنده خود بنا کرده است، درصدی حتی حاشیه ای را در سرکردگی ناسیونالیسم کرد به او تحمیل کند، حتی اگر در بلند کردن فدرالیسم قومی دست پیش انداخته باشد. واقعیت این است که سازمان زحمتکشان آب در هاون میکوبند، هر اندازه بگویند و بنویسند و داد بزنند که الان دیگر به عنوان جمع و فرقه، ضدکمونیست اند، ضد منصور حکمت اند، و خون و رگ و پی شان صد در صد کردی است، حزب دمکرات نه تنها از نظر بارزانی ها، بلکه حتی از منظر همان جلال طالبانی هم، میراث دار ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران و صاحب پرچم کردستان و جمهوری مهاباد است. در حافظه تاریخی و زنده حزب دمکرات، ظاهر شدن جلال طالبانی به عنوان ولی و قیم سازمان زحمتکشان در معادله اختلافات و تضاد منافعهای بسیار

دیرین تر و البته توطئه آمیز و بسیار هم خونین جلال طالبانی با هر دو حزب دمکرات کردستان ایران و عراق، ثبت است. با پلوتیک زدن از سوی عده ای تازه وارد و ناشی که باید حالا حالاها با نفرت پراکنی علیه کمونیسم، باید تازه نشان دهند که واقعا تویه کرده و تمام عیار ناسیونالیست شده اند، نمیشود این فرقه غیر سیاسی و مزاحم خود را تحمیل کند و بگوید من هم بازی! بر مبنای یک سازمان جدیدالولاده که هیچ ریشه واقعی در حرکت ناسیونالیسم کرد ندارد و به اتکا پارتی بازی جلال طالبانی، نمیتوان سهمی از سفره ناسیونالیسم کرد را قاپید. از سوی دیگر حکومت اتحادیه میهنی جلال طالبانی بر سلیمانیه نیز نمیتواند در درازمدت بر این مبنای ناپایدار و نامشخص تاکتونی تداوم یابد. واضح است که حزب دمکرات از نظر جمهوری اسلامی نیز طرف با وزن تری برای معامله و بند و بست است تا سازمانی که موجودیت اش محصول یک شرایط گذرا و ناپایدار است. علائم دادنهای جمهوری اسلامی به سازمان زحمتکشان علاوه بر سرمایه گذاری بر یک نیروی ضدکمونیست، تلاش برای ترساندن حزب دمکرات و در نتیجه راضی کردن او به نرخ پائین تر در هر معامله سیاسی احتمالی هم هست. و این واقعیت بر رهبری حزب دمکرات پوشیده

نیست. رهبری حزب دمکرات و ایدئولوگهای این حزب به علاوه، در جریان مطامع و نقشه های دیرین تر پدرخوانده های سازمان زحمتکشان قرار دارند. با این وجود سوال این است که چگونه است که بستر وسیع تر یک ائتلاف غیر رسمی بین احزاب و شخصیتهای ناسیونالیست و قوم پرست کرد و بازوهای فرهنگی جمهوری اسلامی که امکانات عملی آنرا دو جریان بارزانی و طالبانی فراهم کرده اند، پهن شده است؟ آیا این تمایل به ایجاد نوعی اپوزیسیون طرفدار رژیم اسلامی با حمایت احزاب فعلا حاکم در کردستان عراق است؟ آیا این ورژن کردی ائتلاف غیر رسمی طیف توده و اکثریت با جناحهایی از رژیم اسلامی است؟ آیا این نشانه های راه اندازی جبهه ای غیر رسمی علیه چپ، رادیکالیسم و کمونیسم و سرنگونی طلبی مردم ایران در مقابل جمهوری اسلامی است؟ به نظر میرسد دست و دل بازی جمهوری اسلامی در یاری به چنین نشستهایی در کردستان عراق و گسیل فرستادگان فرهنگی کرد خود به آنها بدون تدارک و رابزینهای متقابل و معاهدات ناگفته و فعلا پنهان، فی سبیل الله نبوده باشد. در هر حال باید هوشیار بود.

۵ آوریل ۲۰۰۵

به سازمان جوانان حکمتیست بپوندید!

بیکاری یا تامین کار مناسب ... لازم است مورد توجه باشند. در عین حال کارگران در مسایل سیاسی جامعه دخالت دارد و طرح مطالبات سیاسی چون آزادی بیان و عقیده و مواردی از مسایل مهم و اساسی برای کارگران و کل مردم ایران است و لازم است گنجانده شود. به این خواستها میتوان خواستهای دیگری را نیز اضافه کرد اما در کل طرح خواست روشن و تلاش برای سراسری کردن آن اهمیت بسزایی دارد.

و گرانی و بیکاری و استبداد حاکم و ... میتوان خواستهای معینی را به عنوان مطالبات این روز بیان کرد. افزایش دستمزد به نسبت تورم خواست فوری کارگران در تمام ایران است. ۱۲۲ هزار تومان تعیین شده از جانب شورای عالی کمی بیشتر از یک سوم ۳۰۰ هزار تومان خط فقری است که خود رژیم اعلام کرده است. حق تشکل و اعتصاب لغو قراردادهای موقت از خواستهای اصلی هستند که همین حالا در مبارزات روزانه کارگر به عنوان خواستهای عاجل طرح میشوند. در ضمن مطالبات دیگری چون بیمه

سقز و سندنجد یا شاهو و نساجی سندنجد و دخانیات سقز و شهرداری مهاباد و بوکان بدانند که با هم و با کارگر مراکز مهم کارگری در تهران و اهواز و آبادان و اصفهان و تبریز، بر سر خواستهای معینی و به مناسب معینی که اول مه باشد زیر یک قطعهنامه را امضا کرده و به آن رای داده اند و از فراد اول مه نیز حول آن و به کمک زنجیر تنیده ای از رهبران و فعالین کارگری که به هم وصل شده اند، برای تحقق آن مبارز و تلاش خواهند کرد. اکنون با توجه به تمام فاکتورهایی که میتوان برشمرد از فقر و بیحقوقی

انسان و زندگی انسانی است و این باید در هر قطعهنامه و سخنرانی و نوشته ای ذکر شود. خارج از این مسایل یک فاکتور جدی طرح مطالباتی است که بتواند بخشهای مختلف طبقه کارگر را حول خود متحد کند. شعارهای روشنی که خواستهای اساسی این طبقه را در ابعادی وسیع بیان کند و جواب بدهد. معلوم باشد کارگران حول کدام خواست و برای چه به میدان آمده اند. اول مه راست است یک روز معین است، اما یک جهت معین هم میتواند به مبارزات بعدی بدهد که حیاتی است. مهم است کارگر خباز

را اشاره کردم. اما در مورد مصوبات و قطعنامه و ... نیز چند نکته را بیان کنم. اولاً جهت عمومی مطالبات و خواست ما باید نه گفتن به وضع موجود و اعلام کیفرخواست طبقه کارگر علیه سرمایه باشد. در این روز باید با صدای بلند و روشن ناراضیاتی خود را از جهنمی که برای ما ساخته اند اعلام ناراضیاتی کنیم و بگویم که ما این زندگی را نمیخواهیم و بشریت شایسته زندگی انسانی تر و مرفه تر است. اول ماه مه یک حرکت ضد کاپیتالیست و انسانی در دفاع از

SW49m 5910 Khz

www.radiopartaw.com

Tel: 0046707399868

رادیو پرتو روی طول موج کوتاه!

هر شب از ساعت ۸ به وقت تهران بمدت نیم ساعت

طول موج و ساعات پخش رادیو را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

خلاصه اطلاعیه های اخیر کمیته کردستان حزب حکمتیست

سقز:

در اطلاعیه های اخیر کمیته شهر سقز حزب کمونیست کارگری حکمتیست آمده است که، ۷ نفر از فعالین اول ماه سقز که در مراسم اول ماه مه ۲۰۰۴ دستگیر و زندانی شدند، روزهای دوشنبه و سه شنبه ۱۵ و ۱۶ فروردین ماه "محاکمه خواهند شد.

در ادامه در این اطلاعیه های آمده است که روز ۱۵ فروردین "اسماعیل خودکام، محسن حکیمی و هادی تنومند" و روز ۱۶ فروردین "برهان دیوارگر، محمود صالحی، جلال حسینی و محمد عبدی پور باصلاح دادگاهی خواهند شد.

"روز ۱۵ فروردین" محسن حکیمی "همراه ۳ تن از وکلای مدافع خود در دادگاه حاضر و بمدتی طولانی

مورد محاکمه قرار گرفت. بنا به آخرین اطلاعیه سه شنبه ۱۶ فروردین برهان دیوارگر و محمود صالحی به جرم شرکت در مراسم اول ماه "دادگاهی" شده اند علاوه بر آن دادگاه به ارتباط با جریانات چپ و کمونیست و اختشاشگری اشاره کرده است که با اعتراض وکلای نامبردگان مواجه شد" دادگاه حکمی صادر نکرد" کمیته سقز حزب کمونیست کارگری حکمتیست ضمن محکوم کردن این توطئه ها مردم و سازمانهای مدافع حقوق انسان را به حمایت از فعالین کارگری شهر سقز فراخوانده است

کامیاران:

در اطلاعیه های کمیته شهر کامیاران حزب حکمتیست آمده است که، روز جمعه ۱۲ فروردین ماه

مردم که بعد از به پایان رسیدن تعطیلات نوروزی، در ترمینال شهرداری بدلیل عدم امکانات کافی وسایل نقلیه دست به اعتراض زدند. نیروهای انتظامی و بسیج مستقر در ترمینال برای متفرق کردن معترضین دخالت کرده و با آنها درگیر شدند، مردم معترض در تقابل با سر دادن شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" با چوب و سنگ به نیروهای انتظامی و بسیج حمله کرده و آنها را گوشمالی دادند.

همچنین در ادامه آمده است که، رانندگان خطوط مینی بوس رانی حومه کامیاران "بخش سور سور" بغلت گران شدن قیمت سوخت و روغن و قطعات یدکی ماشین در روستای خامسان "دست به اعتصاب زده و خواهان "پایین آمدن قیمت سوخت و یا سوسیسید" از طرف دولت شده اند.

در این اطلاعیه ها، کمیته کامیاران ضمن اعلام حمایت و پشتیبانی از

مبارزات و خواسته های بر حق مردم منطقه کامیاران، مردم را در همبستگی هر چه بیشتر و به تداوم اعتراض و گسترش بخشیدن به مبارزات متشکل خود بر علیه حکومت اسلامی، تشویق کرده است.

پانه:

در اطلاعیه شماره ۲ کمیته شهر پانه حزب حکمتیست آمده است که، بدنبال اعتراضات اخیر مردم پانه و روستاهای اطراف در روز ۹ فروردین ماه به خاطر کشته شدن ۲ نفر بدست سرکوبگران اسلامی و حمله معترضین به امکان دولتی و بانکها و مرکز نظامی رژیم، روز بعد نیز اعتراض همچنان ادامه یافت و رژیم ناچاراً نیروهای کمکی ویژه را از شهرهای دیگر گسیل داشت و فضایی از رعب و وحشت را بوجود آورده است. خیابانهای اصلی شهرها را برای کنترل هر چه بیشتر شهر و عابرین، یکطرفه کرده و در نقاط

اصلی و حساس شهر مستقر شده است. شبانه به منازل مردم حمله میبرند و تاکنون این جنایتکاران دهها نفر را دستگیر، زندانی و مورد شکنجه و اذیت آزار قرار داده اند. و... در ادامه "کمیته پانه" ضمن محکوم کردن جنایات نیروهای اسلامی و تشویق مردم به تداوم گسترش بخشیدن به اعتراض و مبارزات خود، از مردم آزادیخواه دیگر شهرهای کردستان درخواست نموده است که با اعتراض و مبارزات خود، مردم پانه را مورد حمایت و پشتیبانی قرار بدهند.

سردشت:

طبق خبری از کمیته سردشت روز جمعه ۱۲ فروردین در اثر تصادف رانندگی در شهر دیواندره متأسفانه ۴ نفر جان خود را از دست دادند" کمیته سردشت ضمن انعکاس این خبر، همدردی و تسلیت خود را به خانواده های خضری زاده و رسولی در این ضایعه ابراز داشته است"

داد گاهی دستگیر شده گان اول ماه مه سقز

امروز 16 فروردین در شهر سقز برهان دیوارگر و محمود صالحی پشت درهای بسته محاکمه شدند و طبق معمول اجازه ورود به کسانی که برای شرکت در جلسه دادگاه حاضر شده بودند دادن نشد! ساعت 9 دادگاهی محمود صالحی شروع و به مدت 1 ساعت ادامه یافت، به محو صالحی اتهام در اختیار داشتن کتاب و سی دی احزاب چپ را داده اند ، محمود صالحی این اتهامات را رد کرده و آنها را کذب محض خواند . از ساعت ده دادگاهی برهان دیوارگر شروع شد و به او هم اتهام همکاری و ارتباط با احزاب چپ و کمونیستی و به هم زدن نظم عمومی زده شد است که برهان دیوارگر هم کلیه اتهامات را رد و آنها را بی پایه و اساس خوانده است .در سالن ودر خارج از دادگاه انقلاب جمعی از مردم تجمع کرده بودند و همه منتظر نتیجه دادگاهی بودند، مردم حاضر همگی آماده حمایت از این فعالین کارگری بودند، وکلای متهمین به خوبی از موکلین خود دفاع کردند، از جمله خانم محمدی ، و خانم محدود و آقای شریف ، تاجای که آقای شریف به اداره اطلاعات و ستاد خبری رفته و از آنها به خاطر بد رفتاری با متهمین درمورد روز 8 مارس و همچنین تکرار و اضافه کردن اتهامات بی پایه و اساس اعتراض کرده بود، وکلای متهمین اعتقاد داشتند که دادگاه انقلاب مدرکی دال بر مجرم بودن متهمین در دست ندارد. در این جلسه دادگاهی حکمی صادر نشد و صدور حکم به جلسات بعدی مو کول شده است . به نظرم واکثر مردم دادگاه انقلاب اسلامی و اداره اطلاعات هیچ مدرکی مستدل و قانونی بر علیه

فعالین کارگری در اختیار ندارد، فقط میخواهند با به تعویق انداختن حکم و تکرار جلسات دادگاه به زور هم شده از این کارگران مدرکی بدست بیاورند قانونی یا غیره قانونی بودن مدارک برایشان مهم نیست. وظیفه انقلابی و انسانی تمام کارگران و مردم آزادیخواه است که با حمایت از این فعالین، دولت و نهادهای سرکوبگرش را وادار کنند تا هر چه زود تر این کارگران را تبریته و از آنها رفع اتهام شود.

سران نظام باید دستگیر و بخاطر جنایاتشان بر علیه این کارگران و دیگرانسانهای آزادیخواه دستگیر و محاکمه شوند نه این کارگران که جرمی بجز دفاع از حقوق خود ندارند! برگزار مراسم اول ماه مه حق مسلم و انکار ناپذیر این کارگران و همه ی کارگران است.

سقز پیمان رها ۱۶ فروردین ۸۴

اخراج کارگران شرکت آتیل ارتوپد سنندج

طی چند روز اخیر پنج نفر از کارگران شرکت آتیل ارتوپد سنندج اخراج شدند

این شرکت سازنده وسایل پزشکی می باشد که حدود هیجده ماه است در سنندج شروع به کار کرده و شرکت اصلی آن در قزوین می باشد و صاحب این شرکت شخصی است به نام حاج علی تحسیری ودر آلمان ساکن است.

قضیه به این قرار است که این شرکت طبق قوانین اداره کاربا استخدام کارگرانی که دارای کارت اداره کار بوده اند پنج سال از دادن مالیات معاف بوده و امسال حدود پنجاه میلیون تومان باید مالیات پرداخت کند که شرکت توانای پرداخت آن را ندارد و به همین دلیل شرکت قزوین را تعطیل و دستگاهها و ماشین آلات را به سنندج انتقال داده اند و کارگران را هم در سنندج تمرکز داده اند . البته این نمی تواند دلیلی برای اخراج این کارگران باشد و این تعداد تا چند روز دیگر به حدود دوازده نفر می رسد. این

لیست فعلی اخراجیان این شرکت است و احتمال دارد افزایش پیدا کند. تا امروز پنج نفر به اسامی

1- فرزاد مرادی

2- پرویز شادمند

3- فرشید ناصری

4- ثریا صلواتی

5- زاهد سجادی

اخراج شده اند. طبق قوانین قانون کار در ایران قراردادهای کارگران مدت آن دو ماهه است و کارفرما می تواند بعد از اتمام این مدت کارگران را اخراج کند و کارگران هم نمی توانند نسبت به آن اعتراضی داشته باشند. افراد اخراج شده دارای هشت ماه تا یک سال سابقه کار و بیمه می باشند و طبق قانون کار ایران بعد از شش ماه سابقه کار بیمه بیکاری شامل آنها می شود .

سهیل عبدی سنندج

۱۵ فروردین ۸۴

<p>کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست</p> <p>دبیر: حسین مرادبیگی (جهه سور)</p> <p>h_moradbiegi@yahoo.com Tel: 00447960233959</p>	<p>اکتبر</p> <p>چهارشنبه ها منتشر میشود، اکتبر را تکثیر کنید و آنرا بدست دوستان و آشنایان خود برسانید!</p>	<p>اکتبر</p> <p>سردبیر: عبدالله شریفی</p> <p>sharifi_abdollah@yahoo.com Tel:00467369752 26</p> <p>دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی</p> <p>esmail.waisi@gmail.com</p>
--	---	--

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست بپیوندید!